



۲۰۲۳/۰۹/۰۴



سید عظیم حسینی

## زراعت و مالداري - بخش حيوانات اهلي - باربر «يابو» در قاموس کبير افغانستان

يابو به لاتين Hinny :

يابو به انگليسي Hinny :

يابو به آلماني Maulesel :

يابو، شبه اسب، اهلي دو رگه، جانور شاخه: طنابداران، رده: پستانداران، راسته: تک سم سانان، تيره: اسپان، تبار: اسپتباران، سرده: اسپها، گونه:  $E. caballus \times E. asinus$  مترادف Equus mulus ميباشد، که نبايد با قاطر اشتباه شود زيرا يابو گونه متقابل نمونه قاطر است، که نمونه‌اي معمول تر مي باشد. يا به عباره ديگر يابو در نتيجه نقش پذيري زني هم از نظر فيزيولوژي و هم طبيعي با قاطر متفاوت است.



يابوها معمولاً قامتي کوتاه تر، گوش‌هاي کوتاه تر، پاهاي قوي‌تر و يال ضخيم تر از يک قاطر معمول دارند.

فنونيب<sup>(۱)</sup> متمايز يابو و قاطر تاحدي به کاشت ژنوم -عنصري از وراثنتيک ارثي- مربوط مي‌شود. پرورش يابو به علت تفاوت تعداد کروموزم در اسب و خر کار مشکلي است چون خر ۶۲ کروموزوم و اسب ۶۴ کروموزوم دارد.

يابو ترکيبي از اين دو گونه است و ۶۳ کروموزوم دارد و در اکثر

موارد عقيم است و تعداد نابرابر کروموزوم‌ها منجر به يک سيستم توليدمثل ناقص شده است.

اردوي ايالات متحده حداکثر ۲۰ درصد وزن بدن را براي قاطرهائي که تا ۲۰ مايل در روز در کوهستان راه مي‌روند، تعيين مي‌کند که تا حدود ۲۰۰ پوند (۹۱ کيلوگرم) بار مي‌آورد. با اين حال، يک متن ۱۸۶۷ باري را تا ۸۰۰ پوند (۳۶۰

کيلوگرم) ذکر کرده است. در هند، قوانين پيشگيري از ظلم (۱۹۶۵) وزن قاطرها را به ۴۴۰ پوند (۲۰۰ کيلوگرم) و پوني‌ها (يابو هاي خورد با جثه کوچک که معمولاً در اروپا نگهداري ميشود) را به ۱۵۴ پوند (۷۰ کيلوگرم) محدود مي‌کند.

یابو در افغانستان موارد استعمال زیاد داشته و در زراعت در صورت عدم موجودیت گاو برای قلبه استفاده شده و در آسیاب ها یا به گفته مردم در "جواز" تیل کشتی جهت چرخاندن جواز یا آسیاب تیل کشتی، در بخش انتقالات به حیث حیوان باربر راه های صعب العبور و در قراء و قصبات جهت انتقال مواد، مال التجاره، قاجاق آدم، اسلحه، هیروئین و مواد مخدره و همچنان تجارت سیار در داخل شهرها و روزهای بازار در دهات مورد استفاده وسیع قرار میگیرد.



Source of photos: [https://www.google.de/advanced\\_image\\_search](https://www.google.de/advanced_image_search)

---

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

( 1 ) - فنوتیپ "phenotype" یک مفهوم مهم در زیست‌شناسی و ژنتیک است که به ویژگی‌های مشاهداتی یا ظاهری یک سازمان یا اندیشه اشاره دارد. این ویژگی‌ها می‌توانند شامل ویژگی‌های فیزیکی مانند رنگ چشم‌ها، رنگ مو، قد، ساختار چهره و ...، یا ویژگی‌های رفتاری و فیزیولوژیکی مثل گروه خون، ترشحات غدد، نسبت به بیماری‌ها و ... باشند. فنوتیپ‌ها نتیجه ترکیب پایه‌های ژنتیکی (ژنوتیپ) با عوامل محیطی متفاوتی هستند. به عبارت دیگر، فنوتیپ نتیجه تعامل میان ژنوتیپ (مجموعه ژن‌های فرد) و محیط زیست (عوامل محیطی مانند تغذیه، تعاملات اجتماعی، شرایط آب و هوا، و ...) می‌باشد.

---

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته‌های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند